

اندیشه‌های سیاسی و راهبردهای سیاستی ترکیه در بحران سوریه

اصغر شاکری^۱

عبدالحسین الله کرم^۲

مصطفی ساوه درودی^۳

ابراهیم خلیلی^۴

چکیده

کشور ترکیه به دلیل نیازهای ایدئولوژیک و ژئواستراتژیک همواره سعی در افزایش قدرت بازیگری و نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود داشته که این مهم در دولت حزب عدالت و توسعه شدت بیشتری یافته است. در این میان نقش آفرینی در بحران سوریه به دلایل مختلف برای ترکیه از اهمیتی دوچندان برخوردار است. این پژوهش با هدف تبیین اندیشه‌های سیاسی ترکیه برای مداخله در بحران سوریه و بیان راهبردهای سیاستی برای تأمین منافع آن کشور شکل گرفته است. روش تحقیق، تحلیل گفتمان و ابزار پژوهش شامل متون گفتاری و نوشتاری است. جامعه آماری پژوهش به دو بخش کتابخانه (متون نوشتاری) و میدانی (متون گفتاری) تقسیم شده است. در بخش کتابخانه‌ای استفاده از به‌روزترین و معتبرترین منابع در دسترس استفاده شده به منظور تکمیل متون اسنادی مورد نیاز و تطبیق هر چه بیشتر داده‌های پژوهشی با واقعیات میدانی از صاحب‌نظران مرتبط با اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی و بحران سوریه بویژه در یک دهه گذشته در قالب مصاحبه‌های میدانی استفاده شده است. که در این بخش با ۱۱ نفر از صاحب‌نظران مصاحبه انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهمترین اندیشه‌های سیاسی ترکیه برای مداخله در بحران سوریه شامل «احیای امپراطوری نئوعثمانی گرای»، «اندیشه‌های حمایت از اخوان المسلمین»، «نفوذ و تأثیرگذاری در معادلات منطقه» و «مسئله کردها و خصومت‌های سیاسی» زمینه‌سازی دخالت ترکیه در بحران سوریه بوده و محوری‌ترین راهبردهای سیاستی «حمایت از اخوان المسلمین و اهل سنت»، «کنترل و بهره‌گیری از بحران‌های منطقه‌ای» و «حمایت از گروه‌های تروریستی و مخالفین سوریه» است.

کلیدواژه:

اندیشه سیاسی، راهبرد سیاستی، ترکیه، بحران سوریه، سکولار ترکی.

shakeri.asghar09@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول
۳. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران
۴. استادیار مدیریت آموزش عالی، دانشکده علوم و فنون فارابی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسأله

سوریه یکی از کشورهای مهم اثرگذار در معادلات منطقه‌ای بین قدرت‌های غرب آسیا و حتی معادلات بین‌المللی بوده که از جایگاه ویژه‌ای به لحاظ سیاسی، اجتماعی و مذهبی در منطقه شامات برخوردار است. از دلایل خیزش بحران سوریه از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱، تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه موسوم به بهار عربی است. دولت بشار اسد در برخورد خشونت‌آمیز با اعتراضات اولیه مردم در شهر درعا دچار اشتباه شده و همین امر موجب سوءاستفاده گروه‌های مخالف و تحریک مردم گردید. از طرف دیگر مؤلفه‌های ساختاری در سوریه به دلیل حاکمیت حزب بعث از شکنندگی اجتماعی برخوردار بوده و چنین وضعیتی بعد از فرایند بیداری اسلامی در منطقه منجر به ایجاد شکاف‌های سیاسی گسترده‌تری در روابط بین ساختار سیاسی و گروه‌های اجتماعی سوریه گردید.

پس از شکل‌گیری بحران سوریه، کشورهای مهم و اثرگذار منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای به دنبال شکل دادن به آرایش موافقان و مخالفان دولت مرکزی سوریه شدند و در این میان هر کشوری بر اساس اندیشه‌های سیاسی و اهداف امنیت ملی خود، سلسله اهداف و راهبردهایی را در بحران سوریه برای خود برگزیدند و تلاش نمودند که به نوعی در مدیریت و افزایش تنش بحران سوریه نقش‌آفرینی نمایند. یکی از مهمترین متغیرهای اثرگذار در شکل دادن و افزایش ناآرامی‌ها و مداخله در بحران کشور سوریه، همسایه این کشور به نام ترکیه بوده است که تلاش نموده در این بحران با پیگیری اهداف دوگانه خود (که همان تأمین منافع ملی و همراهی با قدرت‌های جهانی) است از جایگاه و نقش بارزی برخوردار باشد.

دولت ترکیه از بدو ناآرامی‌های سوریه، اقدام به برنامه‌ریزی برای استفاده از این فرصت با برقراری ارتباط با گروه‌های مخالف و ابتدا حمایت‌های پنهان و سپس آشکار از آنها نمود. این کشور با کسب تجربه از تحولات لیبی و این برداشت که غربی‌ها چنانچه اراده نمایند، دولت سوریه را سرنگون خواهند کرد و آنها چنین اراده و انگیزه‌ای را دارند، سعی کرد از قافله تحولات عقب نماند و با توجه به مرز مشترک با این کشور، حداکثر بهره‌برداری را از آن داشته باشد؛ بنابراین ترکیه علاوه بر سرنگونی رژیم اسد، آینده سوریه را نیز به واسطه برخورداری از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با آن کشور در کانون توجه قرار داده و به همین دلیل سعی کرد ضمن واگذاری مقر به شورای ملی مخالفین و ارتش آزاد سوریه در داخل ترکیه، حداکثر مهاجرین سوری را میزبانی نماید. از نظر رهبران ترکیه، به دست گرفتن امور سوریه به معنای بازگشت عظمت از دست رفته امپراطوری عثمانی و گسترش نفوذ از شمال تا جنوب سوریه و لبنان می‌باشد. بدون شک حضور ترکیه در بحران سوریه بر مبنای یک سری اندیشه‌های سیاسی این کشور شکل گرفته و از طریق راهبردها و سیاست‌های مشخصی نیز پیگیری و دنبال شده است. به همین دلیل مسئله اساسی این پژوهش که دغدغه نگارندگان را در بر دارد شامل دو سوال پژوهشی زیر است:

۱. اندیشه‌های سیاسی ترکیه برای دخالت در بحران سوریه کدامند؟

۲. منافع ترکیه در بحران سوریه، از طریق چه راهبردها و سیاست‌هایی دنبال شده است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

در تبیین اندیشه سیاسی کشورها و همچنین شکل‌گیری راهبردها و استراتژی‌های منبعث از آن، بررسی و رصد دائمی همسایگان به تنهایی و ارتباط هر یک از آنان با یکدیگر از اولویت‌های سیاستی است. در این میان نقش‌آفرینی کشورها در زمان شکل‌گیری بحران‌های مختلف منطقه‌ای، افزایش می‌یابد. اهمیت پژوهش حاضر به اهمیت هر یک از همسایگان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران که همان ترکیه و سوریه باشند از یک سو و از سوی دیگر به تبیین راهبردها و سیاست‌های فعال منطقه‌ای برمی‌گردد. در همین راستا با توجه به قدمت و تاریخ کهن دو کشور ترکیه و سوریه، اولویت رسیدگی به راهبردهای سیاسی آنان در منطقه و تبیین اندیشه سیاسی رهبران و دولتمردان دو کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. مهمترین جنبه‌های ضرورت انجام این تحقیق عبارتند از:

- عدم توجه به همسایگان و روابط بین آنان ممکن است موجب غفلت و عقب‌ماندگی سیاست‌های منطقه‌ای کشورها گردد؛
- عدم توجه به فرصت حضور رقیبان و دشمنان در مناطق پیرامونی و تحت نفوذ باعث ناامنی و ایجاد یا گسترش بحران منطقه‌ای گردد؛
- فقدان شناخت و عدم همکاری در معادلات منطقه‌ای ممکن است منجر به خروج سیاسی و عملی کشور از پیمان‌ها و قراردادهای مهم منطقه گردد.

پیشینه تحقیق

سه دسته از منابع مرتبط با این پژوهش قابل شناسایی است. دسته اول از منابعی که در مورد اندیشه سیاسی بحث کرده که مهمترین آن‌ها اثر «فلسفه سیاسی» نوشته لغوی اشتراوس است. دسته دوم شامل مطالعاتی است که به اندیشه سیاسی دولت ترکیه و راهبردها و سیاست‌های این کشور در منطقه خاورمیانه می‌پردازد که نمونه‌های بارز آن کتاب «عمق راهبردی ترکیه» اثر داود اوغلو و همچنین کتاب «سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه» اثر م. کاهان یاوز می‌باشد. دسته سوم به موضوعات چگونگی وقوع بحران سوریه و تأثیر آن بر کشورهای ایران و ترکیه پرداخته که مقاله مسعودنیا و ابراهیمی (۱۳۹۷) با عنوان «واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه: چالش‌ها و پیامدها» و «تأثیر بحران سوریه بر روابط ترکیه و ایران» نوشته احمدی و قربانی (۱۳۹۳) از آن جمله هستند. همگی این مقالات به دلایل وقوع بحران در سوریه پرداخته‌اند. نکته بسیار حائز اهمیت در پژوهش اشاره شده این است که هیچ یک از این پژوهش‌ها به بررسی اندیشه‌های سیاسی ترکیه که منبعث از ریشه سکولار ترکی این کشور است

در بحران سوریه نپرداخته و راهبردهای مشخص این کشور برای پیشبرد منافع در سوریه را تبیین ننموده‌اند که به عنوان مهمترین شکاف پژوهشی تحقیقات قبلی، در این مطالعه به آن پرداخته شده است.

روش تحقیق

تحلیل گفتمان به شکلی ویژه بر پدیده‌های فراتر از جمله تمرکز دارد (کوبلی، ۱۳۷۸: ۳/۶۰۰)، تحلیل گفتمان یعنی در نظر داشتن گفتمان در تحلیل یا به عبارت دیگر تحلیل گفتمان در معنای فنی تر و روش شناختی به مجموعه‌ای بیطرف از ابزارهای روش‌شناسی برای تحلیل کلام‌ها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، مباحثات و غیر اشاره دارد. از طرف دیگر تحلیل گفتمان یک روش کیفی است به همین علت این پژوهش در زمره راهبردهای کیفی با استفاده روش تحلیل گفتمان قرار دارد. بر اساس نظر کرسول (۲۰۰۹: ۳۰۵)، متون نوشتاری و نظرات، تفاسیر و اندیشه‌های صاحب‌نظران (به عنوان متون گفتاری) است. متون گفتاری پژوهش بر اساس یازده مصاحبه میدانی انجام شده به شرح جدول ۱ حاصل شده است.

جدول ۱: مسئولیت، مرتبه علمی و کد اختصاصی اعضای نمونه گفتاری پژوهش

ردیف	مرتبه علمی	مسئولیت	دلیل مصاحبه	کد اختصاصی
۱	استادیار	عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	دارای تألیفات متعدد در حوزه مسائل ترکیه	(۱)
۲	استادیار	عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	وابسته نظامی سابق ایران در ترکیه	(۲)
۳	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	وابسته نظامی سابق ایران در ترکیه	(۳)
۴	استادیار	عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)	وابسته نظامی ایران در سوریه	(۴)
۵	استادیار	عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)	وابسته نظامی ایران در سوریه	(۵)
۶	مدرس	از مستشاران عالی نظامی ایران در سوریه	حضور مستمر در سوریه در یک دهه گذشته	(۶)
۷	مدرس	از مستشاران عالی نظامی ایران در سوریه	حضور مستمر در سوریه در یک دهه گذشته	(۷)
۸	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشکده وزارت امور خارجه	سفیر سابق ایران در ترکیه	(۸)

ردیف	مرتبه علمی	مسئولیت	دلیل مصاحبه	کد اختصاصی
۹	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشکده وزارت امور خارجه	سفیر سابق ایران در ترکیه	(۹)
۱۰	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	وابسته نظامی ایران در ترکیه	(۱۰)
۱۱	دانشیار	عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی	وابسته نظامی ایران در قطر و عراق	(۱۱)

مراحل گردآوری داده‌ها در پژوهش‌های کیفی شامل تعیین محدوده مطالعه، گردآوری اطلاعات از طریق مشاهده‌ها و مصاحبه‌های ساختاریافته یا نیمه ساختاریافته، اسناد و مواد دیداری و همچنین تهیه دفترچه یادداشت میدانی برای ثبت اطلاعات است (کرسول، ۲۰۰۹: ۳۰۴). در تحلیل گفتمان، محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و ... که جملگی به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرند، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری کند (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۲۳۳). از بین سه نوع روش تحلیل برای روش‌های تحلیل گفتمان که شامل تحلیل موضوعی^۱، تحلیل متن نوشتاری^۲ و تحلیل متن گفتاری^۳ است (موگاشوا، ۲۰۱۴: ۱۰۹) این پژوهش از تحلیل موضوعی استفاده نموده است که در آن محقق به دنبال شناسایی، تحلیل و گزارش در خصوص قالب‌های موجود (تم‌ها) در داخل داده‌ها است.

تعداد زیادی از تجزیه و تحلیل‌های گفتمانی بر اساس داده‌های اصیل و دست اول جمع‌آوری شده توسط محقق که معمولاً از طریق تحلیل مقالات و مصاحبه جمع‌آوری می‌شود صورت می‌گیرد (بیابانگرد، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

مفاهیم و چارچوب نظری پژوهش

۱. مفاهیم و اصطلاحات

اندیشه سیاسی: در تعریف هارولد لاسول^۴ اندیشه سیاسی عبارت از تفکر انسجام یافته درباره اهداف حکومت است. حکومت‌ها عملاً اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند و فلسفه وجودی آن‌ها در مقوله‌های مختلف قابل سامان می‌باشند. اصولاً تجزیه و تحلیل اهداف مشخص می‌تواند زیربنای اندیشه‌های مختلف در ایجاد حکومت باشد. با این حال لوی اشتراوس^۵ آن را تأمل درباره آرای سیاسی یا ارائه تفسیری از آن‌ها می‌داند و رأی سیاسی را خیال، مفهوم یا هر امر دیگری می‌داند که برای تفکر درباره آن ذهن به خدمت گرفته می‌شود و با اصول اساسی سیاست نیز مرتبط می‌باشد (رجائی، ۱۳۹۱: ۵).

1. Thematic Analysis
2. Print Text Analysis
3. Oral Text Analysis
4. Harold Losvel
5. Louis Strauss

علم سیاست: عبارت از مطالعه چگونگی شکل گرفتن قدرت و سهم شدن در آن و عمل سیاسی، عملی است که بر اساس قدرت انجام گیرد (ظفریان، ۱۳۸۴: ۸). البته سیاست در نزد دانشمندان اسلامی عبارت است از «روش اداره جامعه به گونه‌ای که مصالح مادی و معنوی آحاد آن، تحقق یابد». علم و دانش سیاسی هم به معنای علم و دانایی به روش اداره جامعه می‌باشد. به دیگر سخن علم و دانش سیاسی همان دانایی به آئین کشورداری است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴: ۱۸).

۲. اندیشه‌های سیاسی ترکیه

قانون اساسی ترکیه بر جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) تأکید داشته و این کشور را با دولت و حکومت غیر مذهبی (لائیک) معرفی می‌نماید (رابرت^۱، ۲۰۰۰: ۲۶). در ترکیه مفهوم سکولاریسم سه وجه دارد ۱- قرائت جامد کمالیستی از سکولاریسمی که بر «آزادی از دین» تأکید دارد؛ ۲- وجه فهم محافظه کارانه ترکی- اسلامی از سکولاریسمی که مبتنی بر دین است و تحت عنوان شبه سکولاریسم نامیده می‌شود که در دولت حزب عدالت توسعه بیشتر نمود داشته است؛ و ۳- وجه سوم برداشت لیبرال از سکولاریسم بوده که به جدایی دین از سیاست یا «آزادی دین» معتقد هستند (یاووز^۲، ۲۰۰۳: ۷۵). به نظر می‌رسد مؤلفه‌های اندیشه سیاسی سکولاریسم ترکی که برگرفته از اندیشه کمالیست‌ها می‌باشد عبارتند از:

۱. اتخاذ مسئله صفر در قبال همسایگان (تنش زدایی) از مؤلفه‌های اساسی اندیشه سیاسی سکولارهای ترکیه به منظور تأمین منافع ملی خود در مجامع بین‌المللی می‌باشد (تورباکوف و اوجان^۳، ۲۰۰۹: ۲۱)؛

۲. تفکر اندیشه ترک‌گرایی به ملی‌گرایی جدید (ناسیونالیسم ترکی). در این راستا ترکیه نخستین کشور اسلامی بود که در آنجا مکتب ناسیونالیسم وارد شد. ناسیونالیسم به معنی میهن پرستی در قانون اساسی ترکیه قید گردیده است، باز تعریف ترکی بودن بر محوریت قومیت به منظور شناسایی و جذب کردها بر اساس هویت آنان، گفتمان غیر شفاف و مبهم در زمینه ناسیونالیسم و دولت‌گرایی استوار است. به طور کلی در اندیشه سیاسی سکولار ترک‌ها، همواره حمایت از ترک‌های سراسر دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد، به ویژه این حمایت در منطقه خاورمیانه و اوراسیا و بالکان پررنگ است (گنجی، ۱۳۸۶: ۸۱)؛

۳. تفکر نو عثمانی‌گرایی جدید. دکترین نو عثمانی‌گری با هدف ایجاد موازنه میان مجموعه تحولات جدید بین‌المللی با فرهنگ سیاسی داخلی شکل گرفته است. این دکترین در داخل تلاش دارد تا با هویتی جدید و تعریف جدید از تابعیت، مسائل داخلی این کشور همانند قوم‌گرایی را مرتفع و از تجزیه طلبی جلوگیری نماید و در خارج نیز هماهنگ با گسترش سیاسی متناسب با ارزش‌های روبه

1. Robert

2. Yauoze

3. Turbakov & Ojanen

رشد جهانی، تغییرات اساسی در گفتمان خود ایجاد کند (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۸۹)؛

۴. دیپلماسی موزون «ریتیمیک». در این تفکر تصویر قدرت نرم ترکیه تحت تأثیر اقدامات پیشگیرانه دیپلماتیک موسوم به «دیپلماسی موزون» قرار گرفته است. یکی از اهداف، انتخاب دیپلماسی موزون توسعه اقتصادی، احیای فرهنگ و هویت تاریخی و در نهایت کسب موقعیت بهتر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و کسب منافع و حفظ منافع در بالاترین سطح می‌باشد (داود اوغلو، ۲۰۱۰).

۳. بحران سوریه

سوریه در منطقه‌ای آسیای غربی، به‌عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود. این کشور از دیرباز، مرکز بازرگانی میان شرق و غرب بوده است. موقعیت ژئوپلیتیکی سوریه، این کشور را در نقطه اتصال خاورمیانه نفت‌خیز با اروپای صنعتی قرار داده است. سوریه یک بازیگر ژئوپلیتیک محور است که سه عامل؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه و در همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق با ۱۸۶ کیلومتر مرز ساحلی در دریای مدیترانه از اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است (سعیدی، ۱۳۸۵: ۱).

بحران در این کشور از ۶ بهمن ۱۳۸۹ (۲۶ ژانویه ۲۰۱۱) با چند نقاشی دیواری توسط چند جوان در شهر درعا در مرز اردن و جنوب سوریه آغاز شد. اعتراضات مردم درعا (که به صورت صنفی و خواستار حق و حقوق اولیه بودند) با برخورد امنیتی و خشن نیروهای پلیس مواجه شد. مردم با تشکیل یک هیئت پنجاه نفری و مراجعه به دمشق، اعتراض خود را به گوش بشار اسد رساندند؛ علی‌رغم تحقق وعده‌های بشار اسد در این رابطه، اما با نفوذ عناصر حزب منحل اخوان المسلمین در صفوف مردم، دامنه اعتراضات گسترده شد و استان‌های دیگر همچون حمص، جسرالشغور و حماء را نیز درگیر ساخت. شهر درعا در استان درعا و در ۱۰۰ کیلومتری دمشق و در مرز کشور اردن قرار دارد. موقعیت استراتژیک این استان که در نقطه مقابل شهر زرقا (در شمال اردن) قرار گرفته (شخص ابومصعب زرقاوی رهبر نیروهای عمل‌کننده القاعده در عراق که بعدها کشته شد از این شهر برخاسته است) و از لحاظ پوشش و فرهنگ، متفاوت از غالب فرهنگی سوریه بوده و بیشتر به اردن متمایل است؛ در طول سالیان گذشته به پایگاهی برای گروه‌های تکفیری و سلفی تبدیل شده است. عوامل متعددی باعث نفوذ این گروه‌های بنیادگرا به درعا شده است. از جمله: ۱- باز بودن مرز سوریه و اردن ۲- اکثریت سنی مردم منطقه ۳- حرکت نیروهای کار مردمی به کشور عربستان (بالطبع، هنگام بازگشت این نیروها به سوریه، تفکر تکفیری وهابی و بنیادگرایی را نیز با خود به همراه می‌آوردند) (احدی، ۱۳۹۲: ۳۱).

یکی از عوامل تشدید بحران سوریه، رکود سیاسی می‌باشد. مخالفان، دولت بشار اسد را نماینده اقلیت علوی سوریه (۱۳ درصد جمعیت کل سوریه) می‌دانند و نسبت به حضور شیعیان علوی در رأس قدرت

معترض شده و خواستار مشارکت بیشتر سنی‌ها در حکومت سوریه هستند. نظام سیاسی سوریه، نظامی تک‌حزبی و تحت کنترل دائمی حزب بعث که حزبی سکولار و ملی‌گرا و به صورت موروثی در اختیار خاندان اسد و نیروهایشان قرار گرفته؛ باعث گردید تا با محدود شدن فضای فعالیت و رقابت سیاسی، رکود سیاسی ایجاد شود. ترکیب ۳ نهاد بوروکراتیک ارتش، دولت و حزب بعث و جمعیت علوی در تجمیع قدرت در خاندان اسد و در کنار این مسائل مواردی چون انحلال حزب اخوان المسلمین در دهه ۸۰ میلادی و سرکوب شدید معترضان در شهر حماه در سال ۱۹۸۲ میلادی و فرار رهبران اخوان به ترکیه، عدم شناسایی افراد به‌عنوان شهروندان سوری و وجود وضعیت اضطراری در این کشور، اوضاع سیاسی آن را از لحاظ هنجارهای دموکراتیک بین‌المللی نامطلوب جلوه داد (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰). دولت بشار اسد در ابتدای فعالیت سیاسی خود با اعمال سیاست‌هایی نظیر ارائه برخی خدمات رفاهی، حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی- لبنانی و تلاش برای باز پس‌گیری سرزمین‌های اشغالی جولان تلاش کرد در جهت حفظ منافع ملت سوریه گام بردارد و به‌تبع آن نیز طرفداران قابل‌توجهی را جذب کرد اما چنین سیاست‌هایی نتوانست خلأ فقدان پویایی سیاسی در این کشور را جبران کند. زمانی که بشار اسد در سال ۲۰۰۰ وارث حکومت پدرش شد، وعده‌هایی مبنی بر اصلاحات اجتماعی و بازتر شدن فضای سیاسی کشور داد اما با گذشت زمان و تحت تأثیر آموزه‌های ضد اصلاحی برخی رهبران قدیمی حزب بعث قرار گرفت و از پیگیری وعده‌هایش باز ماند. لغو قانون وضعیت فوق‌العاده از اولین خواسته‌هایی بود که مخالفان دولت اسد سال‌ها برای پیگیری آن تلاش کردند؛ اما دولت اسد زمانی این قانون را لغو کرد که اعتراضات داخلی رو به گسترش نهاد (معاونت اطلاعات نزاجا، ۱۳۹۲).

عامل دوم تشدید بحران سوریه، رکود اقتصادی است. از زمان به‌قدرت رسیدن بشار اسد و آغاز اصلاحاتی در راستای آزادسازی اقتصاد دولت‌محور این کشور، رشد اقتصادی مستمری جریان یافت و درآمد سرانه سوری‌ها افزایش محسوسی پیدا کرد. روند روبه رشد اعتراضات و به‌تبع آن اتفاقاتی چون آسیب دیدن صنایع، تورسم و اعمال تحریم‌های بین‌المللی بر مشکلات سوریه افزود. با وجود ذخایر نفتی کم سوریه و تولید نفت خام روزانه حدود ۴۰۰ هزار بشکه، نفت منبع اصلی درآمد سوریه را تشکیل می‌داد. سوء مدیریت، رانت‌خواری، فساد و فاصله طبقاتی باعث فقر و بیکاری بیشتر در این کشور شد (احدی، ۱۳۹۲: ۳۱). بشار اسد از زمان روی کار آمدن، وعده‌های متنوعی مبنی بر تقویت استانداردهای رفاهی مردم داد و اولویت اول در انجام اصلاحات را تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی مردم و سپس توسعه سیاسی عنوان کرده بود. دولت وی برنامه‌هایی تحت نظارت صندوق بین‌المللی پول برای اصلاح ساختار اقتصادی این کشور انجام داد ولی نتایج آن با دستاوردهای وعده داده شده فاصله زیادی داشت به طوری که فقر و بیکاری به مشکلات جدی سوریه تبدیل گشته و سوریه را جزء کشورهای فقیر جهان مبدل

ساخت (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

۴. ترکیه و بحران سوریه

سیاست خارجی دولت ترکیه عمیقاً بر بنیان‌های عمل‌گرایانه استوار است. سیاست خارجی در این کشور به‌مثابه ابزاری قدرتمند برای تسهیل رشد توسعه اقتصادی عمل می‌کند. چنین پیوندی بین سیاست خارجی و توسعه اقتصادی از یک سو و بلندپروازی‌های ریشه‌دار ترک‌ها در عرصه بین‌الملل (به‌منظور تقویت جایگاه و پرستیژ بین‌المللی ترکیه) از سوی دیگر، در عمل‌گرایی سیاست خارجی ترکیه بسیار مؤثر بوده‌اند. (آحمدیان ۱۳۹۱: ۱۵) دولت حزب عدالت و توسعه به‌دلیل نیازهای ایدئولوژیک و ژئواستراتژیک سعی در افزایش نقش منطقه‌ای و جهانی خود دارد. به همین دلیل ترکیه برای حفظ نفوذ منطقه‌ای مستلزم ایفای یک نقش فعال در تعاملات کشورهای منطقه با بازیگران فرامنطقه‌ای است (فلاح، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

دولت ترکیه با آغاز تحولات سوریه دچار نوعی سردرگمی شد؛ به گونه‌ای که آنکارا ضمن توجه ویژه به حوادث سوریه، از تأثیر این حوادث بر امنیت ترکیه به‌شدت نگران بوده و آخرین تحولات همسایه خود را دنبال کرده و بارها از اعلام آمادگی آنکارا برای همکاری با دمشق به منظور برقراری آرامش و استقرار امنیت سخن گفته بود. با گسترده‌تر شدن بحران سوریه موضع ترکیه در قبال تحولات سوریه تغییر کرد. این کشور در جبهه غرب علیه سوریه قرار گرفته و خواهان ایفای نقش مؤثرتری شد (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۷). پس از بالاگرفتن موج اعتراضات و خشونت کم‌سابقه در سوریه که موج مهاجرت مردم سوریه به خاک ترکیه را در پی داشت، موضع آنکارا نیز دچار تغییر و تحولاتی شد طوری که عملاً ترکیه از تغییر حکومت در سوریه دفاع کرد. ترکیه همچنین سعی کرده تا پذیرای جریان‌ات معارض سوریه باشد بر این اساس اجلاس مختلفی در خصوص سوریه در این کشور برگزار شده است (عالم، ۱۳۹۱: ۱۱۰). دولت ترکیه از بدو ناآرامی‌های سوریه، اقدام به برنامه‌ریزی برای استفاده از این فرصت با برقراری ارتباط با گروه‌های مخالف و ابتدا حمایت‌های پنهان و سپس آشکار از آن‌ها نمود. دولت ترکیه با کسب تجربه از تحولات لیبی و این برداشت که غربی‌ها چنانچه اراده نمایند، دولت سوریه را سرنگون خواهند کرد و آن‌ها چنین اراده و انگیزه‌ای را دارند، سعی کرد از قافله تحولات عقب نمانده و با توجه به مرز مشترک با این کشور، حداکثر بهره‌برداری را از آن داشته باشد؛ بنابراین ترکیه علاوه بر سرنگونی رژیم اسد، آینده سوریه را نیز به‌واسطه برخورداری از ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با آن کشور در کانون توجه قرار داده و به‌همین دلیل سعی کرد ضمن واگذاری مقر به شورای ملی مخالفین و ارتش آزاد سوریه در داخل ترکیه، تلاش نمود حداکثر مهاجرین سوری را میزبانی نمایند (بهرامی، ۱۳۹۱: ۲۰).

اختلافات ترکیه با سوریه بر سر حمایت‌های سابق سوریه از پ.ک.ک و اختلاف ارضی بر سر اسکندرون (هاتای) در تصمیم این کشور برای حمایت از مخالفان اسد بی‌تأثیر نبوده است. ترکیه با پناه دادن مخالفان

و تلاش برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه که بتواند به مثابه پایگاهی برای سازمان‌دهی مخالفان اسد و شروع حملات از این منطقه به داخل خاک سوریه عمل کند و در واقع نقشی همانند بنغازی در لیبی را داشته باشد، نقش زیادی در بحران آفرینی سوریه ایفاء نموده است. به همین دلیل ترکیه در مورد تحولات سوریه با مداخله مستقیم و حمایت از گروه‌های معارض بیشترین تلاش را برای دستیابی به اهداف تاریخی خود انجام داد (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). همچنین ترکیه از طریق بحران سوریه تلاش می‌کند تا شکوه و عظمت امپراطوری عثمانی را بازیابد و به گونه‌ای از مسیر سوریه راهی برای ورود به جهان عرب پیدا کند تا به این طریق منافع و خواسته‌های خود را محقق و خود را به عنوان بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای در راستای افول و نقش خود در منطقه مطرح کند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۲). از طرفی مهم‌ترین انگیزه ترکیه در حمایت از مخالفان سوریه، انگیزه ایدئولوژیک و گرایش قومی است. (احمدیان: ۱۳۹۱، ۲۵) ترکیه به دنبال ظهور یک هلال سنی از غزه تا سوریه و شمال عراق است (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۴). دورنمای به قدرت رسیدن اخوان المسلمین که از نظر ایدئولوژیک به حزب عدالت و توسعه ترکیه نزدیک است (ولدیگی: ۱۳۹۴، ۳۲)، در سوریه و دیگر کشورهای عربی، می‌تواند خیال آنکارا را راحت کند. ترکیه در سوریه به دنبال یک آرمان منحصراً سنی است (عالم، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

یکی از راهبردهای ترکیه در تحولات سوریه، نگرانی از به خطر افتادن جان اقلیت‌های ترکمن سوریه عنوان شده است. به همین جهت آنکارا در طول بحران سوریه ضمن تأسیس گردان‌های پر شمار از نیروهای ترکمن و مدیریت و هدایت آن‌ها، در زمینه بهره‌برداری‌های سیاسی از نیروهای ترکمن نیز دست کم دو سیاست توأمان را به پیش برده است. یکی نهادسازی با تابلوی ترکمن‌های سوریه جهت استفاده‌های فعلی و همچنین به کارگیری آن‌ها در بزرگراه‌های چانه‌زنی‌ها و تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و جهانی در مورد سرنوشت سوریه و زمینه‌سازی برای مجزا کردن مناطق ترکمن‌نشین شمال سوریه از این کشور و از سوی دیگر جانمایی ترکمن‌ها در موقعیت‌های کلیدی و عالی در تشکیلات سیاسی اپوزیسیون سوریه جهت تضمین نفوذ سیاسی خود در ساختارهای احتمالی سوریه آینده بوده است (حسینی نقی آباد، ۱۳۹۴: ۲۵). دولت ترکیه در روند ایجاد منطقه حائل و طرح (سناریو) مداخله نظامی در خاک سوریه و به طور برجسته در رخداد خونین جسرالشغور پیشگام بوده است. ترکیه ضمن پذیرش آوارگان سوری در داخل مرزهای خود، به مخالفان دولت سوریه اجازه داد چندین نشست در شهرهای استانبول و آنکارا برگزار کنند (عمادی: ۱۳۹۴، ۲۶). حتی اردوغان ضمن هشدار جدی به بشار اسد، متذکر شد که مسائل سوریه مربوط به سیاست خارجی یا همسایگی ما نیست بلکه اهمیت آن در سطح داخلی ترکیه است. ترکیه با برگزاری نشست‌های متعدد مخالفین سوریه در خاک خود به حمایت بی‌قید و شرط از معارضان سوری پرداخت و با اعزام معارضان خارجی به داخل سوریه، تجهیز آنان به انواع تسلیحات سبک و نیمه سنگین

و هدایت نظامی و ارائه اطلاعات لازم به آن‌ها، به تدریج به دولتی مداخله‌گر در بحران سوریه تبدیل شد (برزگر، ۱۳۹۱: ۲۵). ترکیه و هم‌پیمانان غربی این کشور در قالب ناتو برای ایجاد گذرگاهی انسانی در طول مرزهای مشترک سوریه و ترکیه تلاش می‌کردند تا از این طریق به گروه‌های مخالف رژیم بشار اسد کمک‌رسانی بیشتری صورت بگیرد و متعاقب این امر عملیات نظامی مشترک و متحد برای سرکوب شبکه پدافند هوایی، از کار انداختن نیروی هوایی سوریه، رها شدن از قدرت بازدارندگی نامتقارن سوریه از طریق مهار تهدیدهای غیر متعارف آن مثل موشک‌های دوربرد و عدم ثبات در طول مرزهای بلندی‌های جولان بنمایند (متقی، ۱۳۹۲: ۳۳).

موضع ترکیه در قبال تحولات داخلی سوریه در ابتدا «توصیه محور» و در جهت ایجاد اصلاحات سیاسی دموکراتیک و گفت‌وگو بود اما با شدت گرفتن بحران، ترکیه پا را فراتر نهاد. آنکارا با دادن تسهیلات سیاسی و پشتیبانی به مخالفان سیاسی و نظامی دمشق، گام‌های زیادی در روند سیاست خصمانه و دشمنی علیه دولت و ملت سوریه برداشت. دولت ترکیه در تشکیل و سازمان‌دهی مخالفان سیاسی و نظامی بشار اسد، دارای نقش برجسته‌ای بوده و در تمام اقدام‌ها و مواضع مخالفان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دولت سوریه، حضور و مشارکت فعالی داشته است (دولت آبادی: ۱۳۹۰، ۳۵). ترکیه به همراه کشورهای غربی - عربی در راستای سرنگونی حکومت سوریه، شورای ملی سوریه و ارتش آزاد سوریه را تأسیس، سازمان‌دهی و تحت حمایت خود قرار داده است (شریفیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲). معارضین سوری با اسلحه آمریکایی، آموزش ترک‌ها، حمایت اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس، پشتیبانی اردن و تأمین مالی سعودی و قطر پا گرفته و سازمان قدرت گرفتند (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۲). از سوی دیگر، ترکیه به شدت به مسئله کردها حساس بوده و از سوری‌ها به دلیل حمایت‌های آشکار و پنهان در تحریک کردهای ترکیه، کینه قدیمی و خصومت‌های سیاسی داشتند. برای این منظور، جلوگیری از خودمختاری کردهای شمال سوریه برای ترکیه بسیار حائز اهمیت بوده و مبنایی برای دخالت بیشتر در سوریه و حضور جدی‌تر شده است (نعمت زاده: ۱۳۹۱، ۱۹).

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در جمع‌بندی از مبانی اندیشه سیاسی سکولاریسم ترکی باید اشاره نمود که این اندیشه بر مبنای قانون اساسی این کشور شکل گرفته و در آن بر جدایی دین از سیاست (سکولاریزم) تأکید و این کشور به عنوان یک دولت و حکومت غیر مذهبی معرفی می‌گردد. به همین دلیل بر دو اصل اساسی و بسیار مهم استوار است: نخست همان‌طور که دین نباید در سیاست دخالت داشته باشد، سیاست نیز نباید زمینه‌های اجتماعی دین را مانع شود. لذا حضور اجتماعی دین در مسایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مدنظر قرار دارد. این اصل برخلاف تمام دوره‌های قبلی سکولاریسم ترکیه بود که تنها بر وجه عدم دخالت دین در عرصه سیاسی را مدنظر داشت. اصل دوم بر تبعیت دین از دولت استوار است که این میراثی قدیمی به جا مانده از دوره عثمانی است و لذا دولت‌گرایی وجه مشترک دوره عثمانی، دوره سکولاریسم قبل از

حزب عدالت و توسعه و دوره جدید است.

چنانچه قصد بر این باشد مهمترین مبانی اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی برشمرده شود با توجه به ادله‌های موجود در منابع گفتاری و منابع متنی پژوهش، به نظر همچنان که چندین مرحله مورد تاکید قرار گرفته است «جدایی دین از سیاست (سکولاریزم)» به عنوان اندیشه و راهبرد محوری مطرح است. به همین دلیل و بر اساس این اندیشه، این دین است که از سیاست‌های دولت تبعیت داشته و نمی‌تواند منابع پیشبرد امور سیاسی و راهبرد ملی در کسب منافع داخلی یا خارجی شود. به همین دلیل است که عبارت «تبعیت دین از سیاست‌های دولتی» به آن پرداخته شده است. در کنار این مباحث شاید حتی به نوعی ضدیت با مباحث مذهبی نیز بعضاً در برخی از دولتمردان و سطح جامعه ترکیه شکل دهنده مبانی اندیشه سیاسی سکولار ترکی باشد که در واقع به نوعی همان لائیک بودن را تداعی می‌کند. همچنین این موضوع نیز قابل تأمل است که ترک‌ها به دلیل تلاش فراوان برای چندین مرحله جهش و توسعه، تلاش داشتند تا به نوعی خود را با جامعه اروپایی همراه و هماهنگ نموده و از این مسیر، نوعی پذیرش را در بین کشورهای اروپایی برای خود ایجاد نمایند و به همین دلیل اندیشه سکولار ترکی به نوعی وام‌دار اندیشه‌های سکولار کشورهای اروپایی به ویژه کشورهای مدلی مانند فرانسه و انگلیس است. در کنار این عوامل، بنیان‌های دیگری نیز مانند «اندیشه احیای امپراطوری عثمانی» و «پلورالیسم مذهبی و بی‌طرفی نسبت به همه ادیان» در شکل‌گیری اندیشه سیاسی سکولار ترکی ایفای نقش نموده است.

با توجه به اهمیت هر یک مبانی ذکر شده برای اندیشه سکولار ترکی، به نظر می‌توان در شمای زیر میزان اهمیت و وسعت اثرگذاری هر یک از این مبانی را در این اندیشه تبیین و تفسیر نمود.



شکل ۱: ترسیم مبانی اندیشه سیاسی سکولار ترکی بر اساس میزان اثرگذاری

در پاسخ به سوال اول پژوهش و با توجه به برشمردن کلیت مبانی اندیشه سیاسی سکولار ترکی در ابتدای این مبحث، باید گفت که ترکیه به دنبال شکل‌گیری دولتی با رویکردی سنی و اخوانی در سوریه است. حزبی که در ترکیه قدرت را به دست دارد از نظر اندیشه‌ای جزء گروه‌های اخوانی جریان اندیشه سیاسی اهل سنت می‌باشد. از این رو حکومت ترکیه همزمان به دنبال پشتیبانی از جامعه اهل تسنن سوریه می‌باشد و از طرف دیگر حاضر به تجزیه سوریه به دو کشور علوی مذهب و سنی مذهب نمی‌باشد. چرا که یک دولت مستقل علوی در کنار شهر هاتای (که در زمان گذشته به نام اسکندرون و بخشی از سوریه بزرگ محسوب می‌شد) و جمعیت زیادی از علویان ترکیه را در خود دارد می‌تواند خطری برای امنیت و تمامیت ارضی و مرزی ترکیه فراهم نماید. از طرف دیگر سرنگونی نظام بعثی سوریه و به قدرت رسیدن اهل تسنن سوریه می‌تواند امتیازات زیادی برای کشور ترکیه ارمغان آورد.

یکی دیگر از اهداف ترکیه در بحران سوریه تعقیب گفتمان نفوعثمانی‌گرایی که متأثر از اصول اندیشه سیاسی کمالیسم است بود به همین دلیل ترکیه در خلال بحران سوریه از ترکمن‌های سوریه حمایت و دفاع می‌کرد. همچنین از اهداف دیگر ترکیه جلوگیری از تجزیه سوریه و قدرت‌یابی کردهای سوریه است که در ائتلافی نانوشته با دولت سوریه هستند به ویژه اینکه اساساً دولت ترکیه مخالف با قدرت‌یابی کردهای منطقه است.

هر چند برخی از اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکی مبانی برای دخالت ترکیه در بحران سوریه بوده است که از این رهگذار مهمترین عامل به «احیای امپراطوری نفوعثمانی‌گرایی» بر می‌گردد. لیکن به نظر می‌رسد که بخش اعظمی از مداخلات جدی، فراگیر، مستمر و پرهیاهو ترکیه در بحران سوریه در یک دهه گذشته، اساساً برگرفته از اندیشه دینی و اسلام‌گرایی بوده است و نمی‌توان دخالت اندیشه سکولار را به صورت گسترده در آن مشاهده نمود.

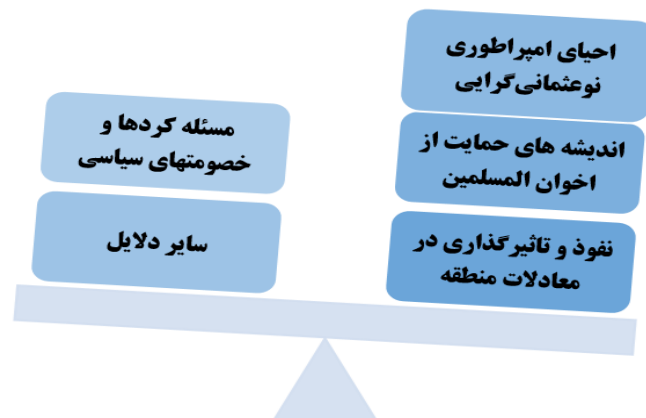
آنچه که سبب دخالت ترکیه در سوریه شد به نوع نگاه مذهبی خاص حزب عدالت و توسعه که اسلام اخوانی را حمایت و حتی نمایندگی می‌کرد، اشاره دارد. حضور و مداخله ترکیه سبب حمایت از جریان اخوان المسلمین و ارائه خدمات به سایر گروه‌های تروریستی علیه دولت اسد شد. چرا که سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه مبتنی بر واقع‌گرایی هویتی محور است. بخشی از باورهای نفوعثمانی‌گری با لایه‌های حمایت از اخوان المسلمین سوریه در کنار کاهش نفوذ گروه‌های هراس‌پرور (تروریستی) و جلوگیری از خودمختاری کردها شمال سوریه و تحریک کردهای ترکیه و همچنین داشتن نقش میانجیگری اروپا در مسایل خاورمیانه نظیر موضوع پناهندگان و آوارگان سوری در چارچوب سیاست خارجی ترکیه را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، ترکیه به شدت به مسئله کردها حساس بوده و از سوری‌ها به دلیل حمایت‌های آشکار و پنهان در تحریک کردهای ترکیه، کینه قدیمی و خصومت‌های سیاسی داشتند. برای این منظور، جلوگیری از

خودمختاری کردهای شمال سوریه برای ترکیه بسیار حائز اهمیت بوده و مبنایی برای دخالت بیشتر در سوریه و حضور جدی‌تر شده است. همچنین ترکیه به عنوان یک کشور تأثیرگذار منطقه‌ای به دلیل جلوگیری از کاهش نفوذ و ضریب تأثیرگذاری خود در معادلات منطقه‌ای، تلاش داشت به نوعی حل و فصل بحران سوریه را به خواست سیاسی و نظامی خود نیز گره بزند تا از این مسیر، بر اهمیت خود در معادلات و منازعات منطقه‌ای و ایجاد اهرم فشار بر علیه کشورهای منطقه مانند ایران، رژیم صهیونیستی و ... (البته هر کدام به نوعی) بیفزاید.

اگر قرار باشد دلایل دیگری نیز به عنوان خاستگاه‌های اندیشه‌های سیاسی دولت ترکیه برای حضور در بحران سوریه اثرگذار باشد شاید بتوان دلایلی مانند «تغییر بافت جمعیتی»، «تأثیر گذاری بر اکثریت علویان سوریه»، «نفت و انرژی و خطوط انتقال نفت» و ... را پیگیری و رصد نمود. هر چند، همچنان که قبلاً نیز آورده شده است این دلایل شکل دهنده محور اقدامات و دخالت‌های ترکیه نبوده و به نوعی به منافع جانبی ناشی از دخالت ترکیه در بحران سوریه تبدیل شده است.

جدول ۲: اقلیت اندیشه‌های سیاسی مداخله‌گر ترکیه در بحران سوریه حاصل متون گفتاری و نوشتاری پژوهش

فرآوانی	منابع گفتاری	منابع متنی	اندیشه‌های سیاسی مداخله‌گر ترکیه در بحران سوریه
۱۲	(۱۰)-(۳)-(۲)-(۱) (۹)-(۸)-(۶)-(۵)	احمدیان (۱۹۳۱) - (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱): ولدبیگی (۴۹۳۱) - برزگر (۱۹۳۱)	دین‌گرایی منفعت‌طلبانه (داشتن اندیشه‌های حمایت از اخوان المسلمین در سوریه)
۸	(۴)-(۱۱)-(۳)-(۱)	عالم (۱۹۳۱) - (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱): حسینی تقی آبادی (۴۹۳۱) - فلاح (۰۹۳۱)	باورهای احیای امپراطوری نوعثمانی‌گرایی
۴	(۸)-(۱)	نعمت زاده (۱۳۹۱) - فلاح (۱۳۹۰)	جلوگیری از خودمختاری کردهای شمال سوریه
۴	(۸)-(۴)	فلاح (۱۳۹۰) - دولت آبادی (۱۳۹۰)	سیاست عدم تنش با همسایگان
۲	(۱)	احمدیان (۱۳۹۱)	سیاست خارجی واقع‌گرایی و هویت محور ترکیه
۲	(۸)	حسینی تقی آبادی (۱۳۹۴)	تغییر بافت جمعیتی
۱	(۱۱)	-	تأثیر گذاری بر اکثریت علویان سوریه
۱	(۸)	-	نفت و انرژی و خطوط انتقال نفت



شکل ۲: اقلیت اندیشه‌های سیاسی مداخله‌گر ترکیه در بحران سوریه

در پاسخ به سوال دوم پژوهش، مشخص است که ترکیه در دهه ۱۹۹۰ نقش معتدلی در سیاست امنیت منطقه‌ای داشت و در آن مقطع زمانی می‌توان نشانه‌هایی از رقابت منطقه‌ای ترکیه با ایران، عربستان و مصر در خاورمیانه را مشاهده نمود. ترک‌ها درصدد اثبات بازیگری فعال و مؤثر خود به غرب و اروپا هستند و مشخصاً نقش‌آفرینی آن‌ها در بحران سوریه می‌تواند این کشور را به غرب نزدیک‌تر کند. از این رو ترکیه بر آن است تا با هماهنگی کردن مواضع خود با دول غربی، این پیغام را به کشورهای اروپایی و آمریکا منتقل کند که سیاست‌ها و اهداف ترکیه همواره در راستای منافع و سیاست‌های آن‌ها در منطقه است و دولت‌های غربی می‌توانند به ترکیه به‌عنوان یک شریک راهبردی قابل اعتماد نگاه کنند. به همین خاطر این کشور از زمان آغاز بحران سوریه تلاش کرد که از مناسبات دوجانبه خود نهایت استفاده را کرده و سیاست‌های منطقه‌ای خود را به آمریکا نزدیک‌تر نموده و خود را همکار و هم‌پیمان جدید با آمریکا مطرح و از تنگناها و محدودیت‌هایی که آمریکا در تحولات منطقه با آن روبه‌روست، استفاده بیشتری برد. آنکارا عملاً مجری سیاست‌های آمریکا و اسرائیل علیه سوریه شده و تلاش کرده است ضمن فشار سیاسی و امنیتی به سوریه، اجازه ورود به افراد مسلح به خاک این کشور جهت ایجاد ناامنی داده است. دولت اسلام‌گرای ترکیه حاضر شده است در قبال فشار به دولت سوریه، حمایت‌های مختلفی از دولت آمریکا برای ارتقاء جایگاه منطقه‌ای خود دریافت نماید.

از طرفی مهمترین انگیزه ترکیه در حمایت از مخالفان سوریه، انگیزه و گرایش قومی است. ترکیه به‌دنبال ظهور یک هلال سنی از غزه تا سوریه و شمال عراق است. دورنمای به‌قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین که از نظر ایدئولوژیک به حزب عدالت و توسعه ترکیه نزدیک است، در سوریه و دیگر کشورهای عربی، می‌تواند خیال آنکارا را راحت کند. ترکیه در سوریه به‌دنبال یک آرمان منحصراً سنی است. ملاحظات

قومی هیچ‌گاه در گذشته به این اندازه در سیاست خارجی ترکیه جایگاه مهمی نداشته است. آنکارا نه تنها از رویارویی با رژیم علوی سوریه استقبال می‌کند بلکه با حکومت شیعه عراق هم دچار مشکل و تنش بوده است. شماری از نیروهای ترکمن حاضر در صف گروه‌های مختلف تروریست در سوریه در حال انجام خدمات نظامی. اطلاعاتی به ترکیه هستند و نقش هماهنگ‌کننده میان گروه‌های مذکور و حامیان ترکیه‌ای آن‌ها را بر عهده دارند.

هدف کلی سیاست خارجی هویت محور ترکیه در سوریه، تلاش برای کنترل بحران‌های منطقه‌ای در راستای حفظ تمامیت سرزمینی این کشور، بهره‌گیری از بحران‌های منطقه‌ای نظیر سوریه برای افزایش نفوذ و حمایت از نیروهای طرفدار خود در راستای تثبیت نفوذ، ایجاد درگیری از شرق تا غرب در سوریه مدنظر است. ترکیه تلاش دارد با حمایت از گروه‌های تندرو و اهل تسنن و حتی تکفیری‌های جبهه النصره با همکاری و همسویی با جبهه غرب و عرب، اندیشه‌های سیاسی سکولار خود را که ایجاد دولت و حاکمیت مورد نظر خود است دنبال نماید.

حاکمیت سوریه دارای اندیشه سکولار است و از این جهت اتفاقاً دارای نقطه مشترک با ترکیه بود اما اسلام‌گرایان ترکیه همچنان ادعای پیروی از اندیشه سکولار را دارند، عملاً از دین و سیاست بهره‌برداری می‌کنند و به ویژه احزاب مخالف دولت ترکیه، حزب حاکم را به خروج از سکولاریسم متهم می‌کند. سیاست‌های بکار گرفته شده توسط ترکیه در سوریه مبتنی بر سیاست‌های مذهبی و اخوانی بوده است. نه تنها حاکمیت سکولار ترکیه بلکه اغلب حاکمیت‌های اهل سنت در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای عربی تلاش دارند که مشروعیت بخشی به حاکمیت از راه قهر و غلبه بر حاکمیت فعلی سوریه را یک عطیه الهی و مشروع القاء نمایند.

همان‌گونه که از منابع گفتاری و نوشتاری بر آمده است به نظر می‌رسد که تمامی سیاست‌های ترکیه در سوریه مشخصاً از طریق سه راهبرد مجزا دنبال شده است. شاید بیش از ۵۰ درصد از سیاست‌های ترکیه در بحران سوریه مشخصاً از مسیر پیگیری راهبرد «حمایت از گروه‌های تروریستی و مخالفین سوریه از طرق مختلف از جمله (ارتباط‌گیری با بدنه معتزض ارتش سوریه، ایجاد تسهیلات برای ورود و خروج به سوریه، تجهیز سلاح و امکانات و...)» دنبال شده است. این راهبرد به عنوان راهکار محوری ترکیه در بحران سوریه، نقش بسزایی در افزایش تنش‌ها و عمق و وسعت بحران و همچنین طولانی شدن بحران در سوریه داشته است. از سوی دیگر دو راهبرد دیگر به صورت مشخص اختصاص به «حمایت از اخوان المسلمین و اهل سنت» و «کنترل و بهره‌گیری از بحران‌های منطقه‌ای» دارد که بسیار مهم اثرگذار بوده است.

جدول ۲: سیاست‌ها و راهبردهای پیگیری اندیشه‌های سیاسی ترکیه در بحران سوریه حاصل متون گفتاری و نوشتاری پژوهش

سیاست‌ها و راهبردهای پیگیری اندیشه‌های سیاسی ترکیه در بحران سوریه	منابع متنی	منابع گفتاری	فراوانی
حمایت از گروه‌های تروستی و مخالفین سوریه از طرق مختلف از جمله (ارتباط گیری با بدنه معترض ارتش سوریه، ایجاد تسهیلات برای ورود و خروج به سوریه، تجهیز سلاح و امکانات و ...)	بهرامی (۱۳۹۱) - عالم (۱۳۹۱) - شریفیان، همکاران (۱۳۹۱) - محمدی (۱۳۹۳) - معاونت اطلاعات نزا (۱۳۹۴) - حسینی تقی آبادی (۱۳۹۴) - ولدبیگی (۱۳۹۴) - مشرق نیوز (۱۳۹۴) - برزگر (۱۳۹۱) - بهرامی (۱۳۹۰) - متقی (۱۳۹۲)	(۱۱) - (۶) - (۷) - (۹)	۱۵
حمایت از اخوان المسلمین و اهل سنت	مشرق نیوز (۱۳۹۲) - عالم (۱۳۹۱) - ولدبیگی (۱۳۹۴) - حسینی تقی آبادی (۱۳۹۴)	(۲) - (۱۰) - (۴) - (۵) - (۸) - (۱۱) - (۶) - (۹)	۱۲
کنترل و بهره گیری از بحران‌های منطقه‌ای	محمدی (۱۳۹۳) - احمدیان (۱۳۹۱) - فلاح (۱۳۹۰) - دولت آبادی (۱۳۹۰) - عالم (۱۳۹۱)	(۱) - (۸) - (۲)	۸
خط دهی به گروه‌هایی از اهل سنت در شرق آسیا (آیغورها)، قفقاز و افغانستان و تجهیز آن‌ها و هموار کردن ورود آن‌ها به سوریه	-	(۴)	۱
نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی	عمادی (۱۳۹۴) - عالم (۱۳۹۱) - دولت آبادی (۱۳۹۰)	(۵) - (۸)	۵
نوع مداخله در کشور سوریه حمایت	عمادی (۱۳۹۴) - ولدبیگی (۱۳۹۴) - محمدی (۱۳۹۳)	(۴) - (۵) - (۸)	۶



شکل ۳: سیاست‌ها و راهبردهای پیگیری اندیشه‌های سیاسی ترکیه در بحران سوریه

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش

در خصوص مبانی اندیشه سیاسی سکولار ترکی آنچه که از یافته‌های این پژوهش مشخص شده است حوزه‌هایی مانند «جدایی دین از سیاست (سکولاریسم)»، «تبعیت دین از سیاست‌های دولتی»، «لایک بودن (بی‌اعتنایی به مذهب)»، «تأثیرپذیری از اندیشه‌های سکولار اروپایی»، «احیای امپراطوری عثمانی» و «پلورالیسم مذهبی» از اندیشه‌های سیاسی مهم سکولار ترکی است. این یافته‌ها با یافته‌های تحقیقات گنجی (۱۳۶۹)، روبرت (۲۰۰۰) و هاکان یاوز (۲۰۰۳) همپوشانی دارد. «احیای امپراطوری نفوذهای گرایشی»، «اندیشه‌های حمایت از اخوان المسلمین»، «نفوذ و تأثیرگذاری در معادلات منطقه» و «مسئله‌کردها و خصومت‌های سیاسی» از جمله اندیشه‌های سیاسی سکولار ترکیه برای دخالت در بحران سوریه بوده است. به این عوامل و اندیشه‌ها به عنوان مبانی سبب‌ساز حضور پررنگ ترکیه در سوریه، در مطالعات دیگری نیز پرداخته شده است. از جمله وزیر امور خارجه سابق ترکیه در مطالعه خود به نام داوداوغلو (۱۳۹۱) و همچنین محمدی (۱۳۹۳) و احمدیان (۱۳۹۱) که از صاحب‌نظران اساسی کشورهای ترکیه و قفقاز جنوبی است به وضوح از اندیشه‌هایی از جمله احیای امپراتوری عثمانی، نفوذ و تأثیرگذاری در معادلات منطقه و هم‌چنین مسئله‌کردها به عنوان مبانی دخالت ترکیه در سوریه نام برده‌اند. هر چند در این مطالعات و دیگر مطالعات مورد بررسی در این پژوهش، از عاملی به نام «حمایت ترکیه از اندیشه اخوان‌المسلمین» کمتر نام برده شده است. سیاست‌ها و راهبردهای ترکیه از جمله «حمایت از اخوان المسلمین و اهل سنت»، «کنترل و بهره‌گیری از بحران‌های منطقه‌ای» و «حمایت از گروه‌های تروریستی و مخالفین سوریه از طرق مختلف» از جمله مهمترین خروجی‌های پژوهش بوده است که به این سیاست‌های ترکیه در تحقیقات دیگری از جمله حسینی‌تقی‌آبادی (۱۳۹۴)، دولت‌آبادی (۱۳۹۰) و بهرامی (۱۳۹۱)

پرداخته شده است.

به دلیل اهمیت کشور سوریه برخی از قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه مانند ایران، ترکیه، عربستان و رژیم اشغالگر قدس تلاش دارند تا با استفاده از پتانسیل خود یا از طریق ائتلاف با دیگر بازیگران منطقه‌ای فرمانطقه‌ای از قدرت گرفتن رقبای خود بکاهند. قدرت‌های بزرگ فرمانطقه‌ای آمریکا و روسیه در جهت منافع خود و نیز کاهش نفوذ یکدیگر در خاورمیانه و به خصوص در سوریه خود را ملزم به حمایت از مخالفین یا دولت سوریه می‌بینند که این رقابت‌ها به یک جنگ نیابتی منتهی شده است.

سیاست‌های بکارگرفته شده توسط ترکیه در سوریه مبتنی بر سیاست‌های مذهبی و اخوانی بوده است. از این رو تلاش ترکیه برای تشکیل دولتی با رویکرد سنی و اخوانی در سوریه، کاملاً واضح و قابل رصد است. حزب عدالت توسعه در ترکیه شاخه‌هایی از اخوانی در این کشورها هستند. به همین دلیل ترکیه به دنبال شکل‌گیری دولتی با رویکردی سنی و اخوانی در سوریه است. بدین منظور ترکیه همزمان به دنبال پشتیبانی از جامعه اهل تسنن سوریه بوده و از سوی دیگر حاضر به تجزیه سوریه به دو کشور علوی مذهب و سنی مذهب نمی‌باشد. به طور کلی سیاست‌های ترکیه در سوریه مشخصاً از طریق سه راهبرد مجزا دنبال شده است. شاید بیش از ۵۰ درصد از سیاست‌های ترکیه در بحران سوریه مشخصاً از مسیر پیگیری راهبرد «حمایت از گروه‌های تروریستی و مخالفین سوریه از طرق مختلف از جمله (ارتباط‌گیری با بدنه معترض ارتش سوریه، ایجاد تسهیلات برای ورود و خروج به سوریه، تجهیز سلاح و امکانات و ...)» دنبال شده است. این راهبرد به عنوان راهکار محوری ترکیه در بحران سوریه، نقش بسزایی در افزایش تنش‌ها و عمق و وسعت بحران و همچنین طولانی شدن بحران در سوریه داشته است. از سوی دیگر دو راهبرد دیگر به صورت مشخص اختصاص به «حمایت از اخوان المسلمین و اهل سنت» و «کنترل و بهره‌گیری از بحران‌های منطقه‌ای» دارد که بسیار مهم اثرگذار بوده است. هر چند سیاست کلی ترکیه در بهره‌گیری و بازی گرفتن از بحران‌های منطقه‌ای به عنوان یافته خاص این پژوهش مطرح بوده و کمتر در سایر تحقیقات یافت شده است. مرتبط با یافته‌های پژوهش، مهمترین پیشنهاد‌های این تحقیق در راستای کاهش اثرات راهبردهای سیاستی مخرب ترکیه در تضعیف دولت مرکزی سوریه به شرح زیر است:

الف- تداوم حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در نشست‌ها و معادلات منطقه‌ای و جهانی پیرامون بحران سوریه و ...؛

ب- تلاش جمهوری اسلامی ایران برای افزایش همسویی منافع و سیاست‌های گروه‌های معارض داخل سوریه؛

ج- ادامه حضور مستمر ایران در کشور سوریه تا زمان تضعیف دولت مرکزی سوریه به منظور دفع تهدیدهای احتمالی؛

د- افزایش قدرت چانه‌زنی و نفوذ منطقه‌ای ایران برای ایجاد موازنه قدرت در منطقه در در تقابل با

سیاست‌های مخالف منطقه‌ای؛

هـ- افزایش سطح تعاملات و همکاری‌های منطقه‌ای اثرگذار با دولت ترکیه به عنوان عاملی بازدارنده در مقابل ترکیه برای حرکت در جهت خلاف منافع ترسیمی جمهوری اسلامی ایران.

منابع

- احدی، محمد، (۱۳۹۲)، «بحران سوریه، تغییر موازنه و روند آن»، فصلنامه نگاه ۲، تهران، انتشارات مرکز پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، شمار ۲۵.
- احمدیان، امیر، (۱۳۹۱)، «نقش تأثیرگذار ترکیه در تحولات خاورمیانه»، تهران، همشهری دیپلماتیک
- برزگر، کیهان، (۱۳۹۰)، «بررسی روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات جهان عرب»، تهران، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- برزگر، کیهان، (۱۳۹۱)، «همکاری واقع‌گرایانه- رویکرد جدید ترکیه در خاورمیانه»، خبر آنلاین.
- بهرامی، محمد، (۱۳۹۱)، «بین ایران و ترکیه چه می‌گذرد»، سایت کردپرس. <http://kurdpress.com>
- بهرامی، محمد، (۱۳۹۱/۶/۲۴)، «سیاست خارجی ترکیه و تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه»، سایت کردپرس
- بهرامی، محمد، (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه و سوریه»، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، تهران، انتشارات مجمع تشخیص.
- بیابانگردی، اسماعیل (۱۳۹۲) «روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی» نشر دوران، چاپ هشتم (دوجلدی)، تهران
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳ مشهدص ۵۴، سال چهارم، شماره ۲ تابستان
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جغرافیای سیاسی ایران»، مشهد: انتشارات سمت چاپ اول.
- حسینی تقی آباد، مهدی، (۱۳۹۴/۱۱/۷)، «تحلیلی بر اوضاع منطقه»، تهران، انتشارات روزنامه همشهری دیپلماتیک.
- دال، رابرت (۱۳۶۴)، «تجزیه و تحلیل جدید سیاست»، ترجمه حسین ظفریان، تهران، نشر مترجم، ص ۸۰۷.
- داوود اوغلو، احمد (۱۳۹۱)، مترجم محمد حسین نوحی نژاد ممقانی «عمق راهبردی موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی» تهران، انتشارات امیرکبیر
- دولت‌آبادی، فیروز (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر اوضاع سوریه»، تهران، انتشارات روزنامه همشهری.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۹۱)، «فلسفه سیاسی» تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- سعیدی، ابراهیم، (۱۳۸۵)، «کتاب سبز سوریه»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه ج. ۱. ایران
- شریفیان، جمشید، کبیری، اباصلت، طحانمنش، علیرضا، (۱۳۹۱)، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، فصل‌نامه امنیت پژوهی، تهران، شمار ۳۸
- ظفریان، حسین (۱۳۸۴)، «تجزیه و تحلیل جدید سیاست» تهران، نشر مترجم
- عالم، ریحانه، (۱۳۹۱)، «جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی ترکیه»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی- معاونت پژوهش، سال دهم، شماره ۱۱۰.

- عمادی، سید رضی، (۱۳۹۴)، «علل و پیامدهای سیاست منطقه‌ای تنش‌آمیز ترکیه»، مجله صف، تهران، انتشارات معاونت فرهنگی و روابط عمومی ارتش ج.ا.ا، شماره ۴۱۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، «فقه سیاسی»، تهران، امیرکبیر، ج ۲، ص ۴۱
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، «اندیشه سیاسی در جهان اسلام معاصر»، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ص ۱۸۰۱۶.
- فلاح، رحمت الله (۱۳۹۰)، «چالش‌های سیاست خارجی ترکیه: دوری از مدار صفر» همشهری دی پلی ما نیک، شماره ۵۰ آبان.
- فلاح، رحمت‌الله، (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی ترکیه و تحولات انقلابی جهان عرب»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- کرسون، آندره (۱۳۶۳)، «فلاسفه بزرگ»، ترجمه کاظم عمادی، چاپ چهارم، (تهران: صفی علی شاه) ج ۱، ص ۵۰۹
- گنجی، اکبر (۱۳۸۶) «ناسیونالیست ترک» نامه فرهنگی، چاپ اول، سال اول
- محمدی، مهدی، (۱۳۹۳/۱۱/۱۲)، «تحولات سوریه و معادله امنیت ملی ایران»، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت آموزشی و پژوهشی استادان معارف.
- مسعودنیا، حسن و همکاران (۱۳۹۱) «ترکیه و بحران سوریه از میانیگیری تا حمایت از مخالفان دولت»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، اسل اول، شماره چهارم.
- معاونت اطلاعات نزاجا، (۱۳۹۵-۱۳۹۰)، بولتن‌ها، مقالات، تحلیل و گزارش‌ها اطلاعاتی در خصوص اوضاع سوریه، تهران، ستاد نزاجا.
- ولدییگی، آرام، (۱۳۹۴/۹/۱۷)، «دکترین دو ستونی، سیر سیاست خارجی ترکیه در بحران سوریه»، تهران، خبرگزاری فارس.
- نعمت زاده، کامران، (۱۳۹۱)، «ترکیه و پیامدهای رویکرد تهاجمی به سوریه»، پایگاه اینترنتی منصف.
- هاکان، باووز، (۱۳۸۹)، «سکولاریسم و دموکراسی در ترکیه» ترجمه احمد عزیزی، تهران، نشر نی.
- Davutoğlu, A. (2008) **Stratejik Derinlik: Türkiye'nin Uluslararası Konumu**. Iştanbul: Küre Yayınları.
- Davutoğlu Dış Politikada Eksen Kaymasını Değerlendirdi (2010, 5 August). Available at www.abhaber.com (accessed on 6 August 2011)
- Davutoğlu, A. (2001). **Stratejik derinlik: Türkiye'nin uluslararası konumu** [Strategic depth: Turkey's international standing]. Iştanbul: Küre Yayınları.
- Eric P. Jack, A. (2006). **From methodological triangulation in management**

research, Managrmnt research News, Department of Quantitative Analysis and Opertions Management. College of Business Administration, University of Cincinnati. Cincinnati, Ohio USA, Volume 29 Number 6.

- Mc Dowall,; (1996) **Turkey, Acountry study**, pp.424-420 and 436
- Mogashoa, Tebogo(2014) **Understanding Critical Discourse Analysis in Qualitative Research**, International Journal of Humanities Social Sciences and Education (IJHSSE), Volume 1, Issue 7, July
- Moshe maoz, “**The Emergence of modern syria**”, insyria unde Assad, M.Ma”oz and A.yaniv (eds.), croom Helm, Beckenheim, 1986, p.32.
- Moshe Maoz, Asad. **The sphinx of Damascus**, Newyork, 1988, p. 19.
- Robert Audi (2000) ,” **Religious Commitment and Secular Reason**(Cambridge: Cambridge University Press)p.26
- Torbakov, I., & Ojanen, H. (2009, 7 May). **Looking for a new strategic identity: Is Turkey emerging as an independent regional power ?** Briefing Paper 30, The Finnish Institute of International Affairs.
- Yavuz, H. (2003). **Islamic political identity in Turkey**. Oxford: Oxford University Press. Introduction: What is an Islamic party? Is the AKP an Islamic party? Secularism and Muslim Democracy in Turkey .Availableat <http://www.assets.cambridge.org/88783/excerpt/excerpt>